

رسالت سلبریتی‌ها

دکترمجید ابهری
عضو هیات علمی
دانشگاه
شهید بهشتی



چهره‌های برگزیده در هنر و ورزش علاوه بر دارا بودن رسالت فرهنگی در هدایت نسل‌های جوان، مسئولیت ارشادی آنها را نیز برعهده دارند. این چهره‌ها که امروز با نام و عنوان سلبریتی شناخته می‌شود رسالت مضاعفی در غیبت خانواده‌ها یا کم‌رنگ بودن نقش مهندسين شخصیت فرزندان بر گردن خویش دارند.

انها چه بخواهند و چه نخواهند، در این مقطع حساس جامعه وظایفی سنگین برعهده دارند.

ممکن است این عزیزان فرزند نداشته و تشکیل خانواده نداده باشند اما به هر شکل و احوال مانند اقوام و نزدیکان‌شان از جمله خواهرزاده و برادرزاده و سایر نزدیکان همخون‌شان در همین فضا تنفس کرده و به زندگی مشغولند. موضعگیری‌های سیاسی یا فرهنگی چهره‌های برجسته به عنوان الگو و نماد اصلی در جامعه مورد توجه و تقلید قرار می‌گیرند. در مقابل تهاجمات تهی از منطق و بی‌هدف، سلبریتی‌ها در سه‌گروه جای گرفتند: گروه اول: برای باز کردن جای خود در جوامع غربی و جلب حمایت‌های گروه‌های مخالف ثبات و رشد اقتصادی و فرهنگی کشور «کاسه داغ‌تر از آش شده» و حتی گاهی از دشمنان نیز سبقت گرفته و به امید دریافت گذرنامه یا امتیازات دیگر به مردم و کشور خود پشت کرده و در انتظار روزی نشستند که برای خویش سهمیه‌ای از دشمن دریافت کنند. گروه دوم: در داخل کشور مانده و از داخل با صدایی آرام‌تر از بیرون، همسرایي با دشمن پیشه کردند. گروه سوم: از ترس انتقادات یا بدرفتاری‌های منتقدان، سکوت کرده و در فعالیت‌های حرفه‌ای خود مشارکت نکرده و از ترس پوز خند و تمسخر دلقک‌مآب‌های حاضر، شرکت در فعالیت‌های هنری را تعطیل کرده‌اند.

در این میان گروه‌های منسجم و متشکل از نوجه‌های اروپانشین‌ها یا ورود به حساب‌های توییتری یا بخش‌های موجود در پلتفرم‌های موجود و نوشتن الفاظ زشت و فحاشی‌های کورویی هدف در ذیل تصاویر و حساب‌های چهره‌های معروف و مؤبد آنها را مورد هجوم قرار می‌دهند. این‌گونه حرکات در اصل نشان‌دهنده تربیت خانوادگی و ماهیت مهاجمان بوده و اصلاً نباید مورد توجه قرار گیرد. اینستاگرام و حساب‌های چهره‌های بیطرف یا آرام در این پلتفرم به میدان نمایش ماهیت و اصالت تربیتی تبدیل شده است. مخصوصاً قشون منافقان مقیم در آلبانی یا سایر کمپ‌های دیگر که کار و وظیفه‌ای جز نشستن پای کامپیوترهای موجود نداشته و از صبح تا شب فقط برای تهاجم‌های اینترنتی و حساب‌سازی‌های جعلی نشسته و سمپاشی‌های مختلف انجام می‌دهند. چهره‌های هنری نیز بدون واژه‌ها از این رجاله‌های اجتماعی و دلان فرهنگی با تکیه بر حمایت‌های اقشار فرهیخته و دلسوزان واقعی به راه و کار خود ادامه می‌دهند. خالی کردن میدان برای این افراد نه تنها خیانت به آرمان‌های اصیل فرهنگی و اسلامی است بلکه واگذاری میدان به این فرصت‌طلبان خواهد بود. همان‌ها که از یک طرف به تمسخر این چهره‌های اصیل پرداخته از طرف دیگر دست‌وپای زنده‌تاجایی برای خود در جبهه‌اصیل انقلاب اسلامی باز کرده و سهمی از سفره‌های هنری برای خود بردارند که صدا البته ماهیت این افراد برای همه مشخص شده و بیشتر ماهیت‌شان رو خواهد شد.

وظیفه ملی و فرهنگی صاحبان بصیرت ایجاب می‌کند که هدف‌های آشکار و نهان این لشکر جبار برای نسل‌های آینده کالبدشکافی شود. هدف‌ها و مقاصد این افراد بر اهل فن و صاحب‌نظران خبره، واضح و کاملاً مشخص است. فقط نوجوانان و جوانان ماکه ماهیتی همچون آینه شفاف و روشن دارند و از هدف‌ها و غرض‌های طرف‌های مقابل مطلع نیستند، از ماهیت این گروه‌ها بی‌اطلاع هستند.



کتابی برای کمک به والدین برای تربیت بهتر فرزندان

تکنیک‌های فرزندپروری خلاق

امیر علوی

چاردیواری

در دنیای امروز پدر و مادری وجود ندارند که در حوزه چگونگی رفتار کردن با فرزندان خود دچار مشکل نشده باشند. تربیت کودک وظیفه بسیار سنگینی است که اغلب تا پایان عمر همراه والدین است. از آن جهت که دنیای کودکی

با دنیای بزرگسالان تفاوت‌های بسیاری دارد و بسیاری از افراد جامعه نیز از شیوه‌های آموزشی و تربیتی نوین و مدرن در رابطه با آموزش کودکان اطلاعات چندانی ندارند.

بی‌تردید همه شما دوست دارید برای فرزندان‌تان پدر و مادرهایی شایسته باشید. متأسفانه بسیاری از والدین بدون این‌که آموزش لازم برای تربیت فرزند را دیده باشند در جهت فرزندپروری گام برداشته و از طریق آزمون و خطا چنین مهارتی را کسب می‌کنند.

والدین باید بدانند با عمل به موقع خود می‌توانند مشکلات رفتاری کودک را آسان‌تر رفع کنند تا در آینده تداوم نداشته باشند. تنها با رشد کردن و بزرگ شدن کودکان مشکلات رفتاری آنها حل نخواهد شد. اگر قصد دارید کودکی با رفتار مناسب داشته باشید و مهارت‌های لازم برای برقراری ارتباط با دیگران را یاد بگیرید، باید از همان کودکی به او آموزش دهید.

معرفی



کتاب تکنیک‌های فرزندپروری خلاق به قلم ساناز قهاری، راهکارهایی در اختیار شما قرار می‌دهد تا بدانید چگونه فرزند خود را راهنمایی کنید تا او نیز درست رفتار کردن را بیاموزد.

کتاب تکنیک‌های فرزند پروری خلاق (creative parenting techniques) نشان می‌دهد هیچ یک از کودکان به خودی خود به یک انسان بالغ موفق تبدیل نخواهد شد بلکه باید مانند یک باغبان همواره از او مراقبت و حمایت شود، باید او را دوست داشت و در

صورت نیاز با او آموزش داد. شما باید فرزندان‌تان را بی‌هیچ قید و شرطی دوست داشته باشید. با این‌که بعضی از رفتارهای نامناسب و نامطلوب او گاهی شما را آزار می‌دهد اما با آموزش صحیح کم‌کم یاد می‌گیرد که درست رفتار کند. در بخشی از کتاب تکنیک‌های فرزندپروری خلاق می‌خوانیم: ترس و هراس به کودک اگر چه ممکن است به نظر برسد سریع‌ترین و موثرترین راه باشد اما مطلوبیت کمتری دارد. کودکی که با ترس تنبیه شدن، توسط اعضای خانواده خودش در مدرسه بخواهد تمرین ریاضی را انجام دهد، ممکن است آن قدر عصبی باشد که موجب شود درس را به خوبی یاد نگیرد. ترس و هراس هنگامی که مفرط باشد می‌تواند فلج‌کننده بوده و در آن هیچ موفقیتی حاصل نمی‌شود با این حال حتی تحت بهترین شرایط همیشه تا حدودی عنصر ترس وجود دارد و آموزش همیشه بر مبنای شوق و علاقه پیش نمی‌رود گاهی اوقات حتی کوشاترین دانش‌آموزان هم با ترس از شکست درس می‌خوانند و گاهی مشتاقانه‌ترین هنرپیشه‌ها نیز از ترس شرمندگی در مقابل تماشاگران تمرین می‌کنند. بنابراین ترس از درد جزء لاینفک موقعیت‌های انسانی است. والدی که بیان می‌کند اعتقادی به ترساندن ندارد، از کارهایی که انجام می‌دهد بی‌اطلاع است. حتی آسان‌گیرترین والد هم فرزند خود را از بعضی چیزها منع می‌کند و می‌ترساند. به کودک خود اجازه بالا رفتن از پنجره، راه رفتن بر روی پشت بام، دویدن به درون ترافیک، خوردن سم و... را نمی‌دهد. هر بار که کودک از انجام این کارها منع می‌شود علاوه بر آن احساس ناراحتی والدین خود را نیز احساس می‌کند و به تدریج خودش، خودش را منع می‌کند این منع در ابتدا بیش از این‌که به دلیل درک خطر احتمالی باشد به دلیل درک این موضوع است که تکرار این رفتار منجر به ناراحتی والدین خواهد شد با این حال باید در نظر داشت که کودکان پیام‌های نامحسوس و غیرمستقیم و مستقیم دریافت نمی‌کنند. برخی مواقع فریاد کشیدن بر سر آنها بسیار موثر نیاز آن است که به آرامی همان حرف به آنها زده شود.



بندگی با آزاد شدن از غیر

شما کلمه ا...ا کبر را در نظر بگیرید. مگر انسان کیست که در مقابل جریان‌هایی قرار بگیرد و مرعوب نشود؟ انسان ترس دارد. انسان در مقابل یک کوه عظیم که قرار می‌گیرد یا بالای آن می‌رود و پایین را نگاه می‌کند، ترس او را می‌گیرد. در مقابل دریا که خودش را می‌بیند، می‌ترسد. وقتی یک صاحب قدرت و هیبتی را می‌بیند، صاحب دبدبه و کبکبه‌ای را می‌بیند یا به حضور او می‌رود، ممکن است خودش را بیازد و زبانش به لکنت بیفتد. چرا؟ چون مرعوب عظمت او می‌شود.

این برای بشر، طبیعی است. اما گوینده ا...ا کبر، آن کسی که ا...ا کبر را به خودش تلقین کرده است، هرگز عظمت هیچ کس و هیچ چیز او را مرعوب نمی‌کند، چرا؟ [چون] ا...ا کبر [یعنی] بزرگ‌تر از هر چیز و بلکه بزرگ‌تر از هر توصیف، ذات اقدس الهی است؛ یعنی من خدا را به عظمت می‌شناسم. دیگر وقتی من خدا را به عظمت می‌شناسم، همه چیز در مقابل من حقیر است. این کلمه ا...ا کبر به انسان شخصیت می‌دهد، روح انسان را بزرگ می‌کند.

علی علیه السلام می‌فرماید: خدا به عظمت در روح اهل حق جلوه کرده است و به همین دلیل غیر خدا هر چه هست، در نظرشان کوچک است.

کوچکی و بزرگی یک امر نسبی است

مثلاً شما که در فضای حسینیه‌ای قرار گرفته‌اید، اگر قبل از آن‌که به اینجا بیایید در یک تالار کوچک‌تر از اینجا مثلاً ثلث اینجا می‌بودید، این تالار به نظر تان خیلی بزرگ می‌آمد. ولی اگر برعکس، اول شما در تالاری باشید که سه برابر اینجا باشد، از آنجا که به اینجا می‌آیید، این تالار به نظر تان خیلی کوچک می‌آید. همیشه انسان وقتی موجودی را در کنار موجود دیگر می‌بیند، اگر آن موجود دیگر بزرگ‌تر از آن باشد، آن را کوچک می‌بیند و اگر کوچک‌تر از آن باشد، آن را بزرگ می‌بیند.

لهذا افرادی که با عظمت پروردگارشان آشنا هستند و عظمت پروردگار را حس می‌کنند، اصلاً هر چیز دیگری در نظرشان حقیر و کوچک است، نمی‌تواند بزرگ باشد. می‌گوید عارفان غیر از خدا برای هیچ چیز شییئت قائل نیستند و می‌گویند اصلاً وجود ندارد. یکی از معانی «وحدت وجود» همین است که عارف وقتی خدا را به عظمت می‌شناسد، دیگر اصلاً نمی‌تواند بگوید غیر از او موجود دیگری هست؛ می‌گوید اگر وجود، «او» است غیر «او» هر چه هست عدم است.

برگرفته از کتاب آزادی معنوی

استاد شهید مرتضی مطهری

درنگ

حق مادر

امام سجاد (ع) می‌فرمایند: «حق مادرت این است که بدانی او تو را طوری حمل کرد که احدی، احدی را آن‌طور حمل نمی‌کند، آری او تو را در داخل شکم خود حمل کرد و از میوه قلبش چیزی به تو داد که احدی به احدی نمی‌دهد و او با تمامی اعضای بدنش تو را محافظت نمود و باک نداشت از این‌که گرسنه و تشنه بماند، بلکه پروایش همه از گرسنگی و تشنگی تو بود، او باک نداشت از این‌که برهنه بماند، همه پروایش از برهنگی تو بود، او هیچ پروایی نداشت از گرما، ولی سعی اش این بود که بر سر تو سایه بیفتد، او به خاطر تو از خواب خوش صرف‌نظر کرد، و تو را از گرما و سرما حفظ نمود، همه این تلاش‌ها برای این است که تو مال او باشی و تو نمی‌توانی از عهده شکر او برآیی، مگر بایاری و توفیق خدا.» / ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۳۲۹

